

Unit 9 book 5

باستانی

اگر چیزی باستانی باشد ، بسیار قدیمی یا منسوخ شده است.
برای رقابت ، باید تجهیزات باستانی خود را به روز کنیم.

خیراندیش

اگر کسی خیرخواه باشد ، مهربان و سخاوتمند است پدر من مردی خیرخواه بود و پول زیادی به امور خیریه می داد.

برنجی

برنج فلزی است که از آن برای ساخت آلات موسیقی و زیور آلات استفاده می شود.
از برنج برای ساختن آلات موسیقی مانند شپپور استفاده می شود.

نظام سرمایه داری

سرمایه داری یک سیستم اقتصادی است که در آن شرکت های خصوصی کالاها را برای سودآوری تولید می کنند.
بیشتر صنایع در جهان امروز مبتنی بر سرمایه داری هستند.

جزء

یک جز بخشی از یک ماشین بزرگتر است.
رایانه ها اجزای مختلفی دارند ، بنابراین ساخت آنها پیچیده است.

وابستگی

وابستگی وضعیتی است که در آن کسی به چیز دیگری اعتماد می کند
کودکان خردسال به والدین خود وابستگی دارند.

کاهش

کاهش به معنای کم یا کوچکتر شدن است.
با بدتر شدن اقتصاد ، پس انداز من کاهش یافت.

اشکال

یک اشکال یک ضرر است.
اشکال داشتن ماشین این است که نگهداری آن بسیار گران است.

مد زودگذر

مد یک چیزی است که برای مدت کوتاهی محبوب است.
برای چند سال یک مد بود ، اما خیلی زود محبوبیت خود را از دست داد.

تحمیل کردن

تحمیل کردن به معنای قطع یا مجبور کردن ایده های خود به دیگران است.
او هر روز صبح انتظار دارد که همسرش صبحانه درست کند و این را به همسرش تحمیل میکند

مدیریتی

مدیریتی چیزی را که به یک مدیر یا مدیریت توصیف می کند.
نانسی سمت مدیریتی در بانک دارد.

قرون وسطایی

اگر چیزی قرون وسطایی باشد ، از دوره زمانی بین 650 تا 1500 سال میلادی ما از قلعه ای بازدید کردیم که در قرون وسطی ساخته شده بود.

منسوخ شده

اگر چیزی منسوخ شده باشد ، دیگر استفاده نمی شود زیرا چیز بهتری وجود دارد. از زمان ارزان شدن رایانه ها ، ماشین تحریر منسوخ شد.

شبه جزیره

شبه جزیره قطعه زمین بزرگی است که از سه طرف با دریا احاطه شده است. ایالت فلوریدا نمونه ای از شبه جزیره است.

اعتبار

اگر شخصی از اعتبار برخوردار باشد ، مردم او را تحسین و احترام می کنند. بازیگر جوان بعد از برنده شدن جایزه اعتبار زیادی کسب کرد.

تناسب، قسمت

تناسب مقداری است که ارتباط بین قطعات و کل را نشان می دهد. فقط تعداد کمی از مردم این شهر در اینجا کار می کنند.

افراطی

اگر چیزی رادیکال باشد ، بسیار جدید یا متفاوت است. رئیس جمهور در حال برنامه ریزی برای ایجاد تغییرات اساسی در قانون است.

رد کردن

رد کردن چیزی به معنای اثبات نادرستی یا نادرست بودن آن است. مدیر بانک ادعاهای دروغ گفتن به مشتریان خود را رد کرده است.

دیدنی و جذاب - تماشایی

اگر چیزی دیدنی باشد بسیار چشمگیر به نظر می رسد. در سال نو یک آتش بازی تماشایی در پارک برگزار شد.

بافتن

بافتن یعنی ساختن پارچه با استفاده از نخ های افقی و عمودی. ما در تعطیلات خود به آمریکای جنوبی زنی را دیدیم که پتو می بافت

ماشین بافندگی

آقای جوزف فرانکلین ماشینی اختراع کرد که می توانست پارچه ببافد. بافت آن سریعتر و مستقیم تر از هر کسی بود که می توانست با دست ببافد. او تصمیم گرفت آن را به دو شهر شبه جزیره ، نهرتون و ویلتون برساند. در این شهرها ، تعداد زیادی از مردم به کار بافندگی پرداختند. جوزف احساس کرد که می تواند دستگاه خود را در آنجا بفروشد.

جوزف ابتدا دستگاه خود را نزد شهردار نهرتون برد. "به پولی که از این دستگاه به دست می آورید فکر کنید!" یوسف به او گفت.

اما شهردار مردی خیرخواه بود. او در مورد وابستگی مردم به بافتن برای امرار معاش آنها می دانست. اگر او دستگاه را می

خرید ، مردم شغل خود را از دست می دادند. بنابراین او از خرید آن امتناع کرد.

جوزف گفت: "ما دیگر در دوران قرون وسطایی نیستیم! به زودی همه چیز توسط ماشین ساخته می شود. پارچه ساخته شده با دست به زودی منسوخ می شود. اگر روش های باستانی خود را تغییر ندهید ، درآمد شهر شما کاهش می یابد!"

اما شهردار گفت ، "من سرمایه داری را دوست ندارم. ایده های رادیکال خود را به شهر من تحمیل نکنید. گمشو!"

بنابراین جوزف ماشین خود را نزد شهردار ویلتون برد. این ماشین معماری جوزف بسیار جذاب بود و مدتها به دنبال اجزای مختلف ساخته شده از برنج بود. شهردار نتوانست این واقعیت را که ماشین دارای اشکالاتی است که می تواند بر شغل افراد تأثیر بگذارد رد کند. اما او فهمید که این ماشین می تواند پول و اعتبار بیاورد. بنابراین به یوسف دستور داد تا بیست عدد از آنها را بسازد.

در عرض یک سال ، ویلتون شهری ثروتمند بود ، که به خاطر پارچه فوق العاده اش مشهور بود. مردم دیگر بافت نمی کردند اما در عوض در کارهای مدیریتی در کارخانه های پارچه کار می کردند. دیگر هیچ کس پارچه را از نترتون نخرید. مردم نترتون فقیر و گرسنه شدند.

سرانجام ، شهردار نترتون با جوزف تماس گرفت و گفت: "حالا من فهمیدم که دستگاه شما فقط یک مد زودگذر نیست. برای موفقیت در تجارت ، ما باید مایل به تغییر باشیم." وی سپس بیست دستگاه بافندگی را سفارش داد.

پس از آن ، هر دو نترتون و ویلتون به شهرهای ثروتمندی بدل شدند که به خاطر پارچه های شگفت انگیز خود در سرتاسر سرزمین مشهور بودند.